

Ranking of Social Factors Affecting Permanent Singlehood Among Women Aged 40-50

1. Negin Zia Asghari¹: PhD Student, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

2. Talieh Khademian^{2*}: Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Feizollah Norouzi³: Assistant Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: t_khademian@iau-tnb.ac

Abstract:

This study aimed to examine the social factors influencing permanent singlehood among women aged 40-50 living in Tehran. This applied study utilized a survey research method. The statistical population consisted of all single women aged 40-50 residing in districts 3, 10, and 19 of Tehran, from which a sample of 381 individuals was selected using Cochran's formula. Data collection was conducted through a structured questionnaire, whose validity was confirmed via the KMO index and Bartlett's test ($KMO=0.801$, $sig=0.000$), and reliability was verified using Cronbach's alpha coefficient ($\alpha=0.788$). Data were analyzed using SPSS software and descriptive and inferential statistical methods. Results indicated that the most significant social factor influencing permanent singlehood was women's employment and career advancement, as the item "Finding a job after university was very important to me." had the highest mean score (4.13). Furthermore, social attitudes toward employed and educated women had improved, with 49.4% of respondents believing that educated women are perceived as more successful in society. Conversely, items such as "Married female relatives envy my singlehood" and "Marriage limits my social activities" had the least impact on permanent singlehood. The findings suggest that in contemporary society, education and employment have become primary indicators of success for women, influencing attitudes toward marriage and reducing social pressures associated with permanent singlehood. However, certain socio-cultural challenges for single women persist, necessitating further examination and policy reforms.

Keywords: Permanent singlehood, single women, social factors, employment, education, social attitudes

How to Cite: Zia Asghari, N., Khademian, T., & Norouzi, F. (2024). Ranking of Social Factors Affecting Permanent Singlehood Among Women Aged 40-50, *Management, Education and Development in Digital Age*, 1(4), 200-212.



رتبه‌بندی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۴۰ - ۵۰

۱. نگین ضیاء اصغری^{ID}: دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. طلیعه خادمیان^{ID*}: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. فیض اله نوروزی^{ID}: استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: t_khademian@iau-tnb.ac

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در میان زنان ۴۰ تا ۵۰ سال ساکن در شهر تهران انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی زنان مجرد ۴۰ تا ۵۰ سال ساکن در مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ شهر تهران بوده که بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای ساختاریافته بود که روایی آن از طریق شاخص KMO و آزمون بارتلت مورد تأیید قرار گرفت ($\alpha=0.788$) و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0.788$) تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین عامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی زنان، اشتغال و پیشرفت حرفه‌ای آن‌ها بوده است، به گونه‌ای که گویه «پیدا کردن شغل بعد از دانشگاه برایم خیلی مهم بود.» بالاترین میانگین را به خود اختصاص داد (۴.۱۳). همچنین، نگرش اجتماعی نسبت به زنان شاغل و تحصیل کرده بهبود یافته است، به طوری که ۴۹.۴ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که زنان تحصیل کرده در جامعه موفق‌تر دیده می‌شوند. در مقابل، گویه‌هایی همچون «زنان متأهل فامیل به مجرد بودن من غبطه می‌خورند» و «از دواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی من می‌شود.» کمترین تأثیر را در مجرد قطعی داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه امروزی، تحصیلات و اشتغال به عنوان معیارهای اصلی موفقیت برای زنان در نظر گرفته می‌شوند و در بسیاری از موارد، این عوامل باعث تغییر نگرش نسبت به ازدواج و کاهش فشارهای اجتماعی برای مجرد قطعی شده‌اند. با این حال، همچنان برخی چالش‌های اجتماعی و فرهنگی برای زنان مجرد وجود دارد که نیازمند بررسی و اصلاح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: مجرد قطعی، زنان مجرد، عوامل اجتماعی، اشتغال، تحصیلات، نگرش اجتماعی

نحوه استناددهی: ضیاء اصغری، نگین، خادمیان، طلیعه، و نوروزی، فیض اله. (۱۴۰۳). رتبه‌بندی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۴۰ - ۵۰. نشریه مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۱(۴)، ۲۱۲-۲۰۰.



در جوامع معاصر، تجرد قطعی در میان زنان ۴۰ تا ۵۰ سال به یکی از مسائل اجتماعی مهم تبدیل شده است. تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باعث شده‌اند که الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده در سراسر جهان دستخوش دگرگونی‌های اساسی شوند. در گذشته، ازدواج به‌عنوان یک هنجار اجتماعی ضروری تلقی می‌شد و زنان به‌ویژه تحت فشارهای اجتماعی و خانوادگی برای ورود به زندگی زناشویی قرار می‌گرفتند (Oyafunke-Omoniyi & Adewusi, 2021). اما امروزه، نگرش‌ها نسبت به مجرد ماندن دستخوش تغییر شده است و بسیاری از زنان به دلایل مختلف، از جمله دستیابی به استقلال اقتصادی، تمرکز بر پیشرفت تحصیلی و حرفه‌ای، یا نبود گزینه‌های مناسب برای ازدواج، تجرد را انتخاب کرده‌اند یا ناخواسته در وضعیت تجرد باقی مانده‌اند (Apostolou et al., 2023).

در ایران نیز روند افزایش تجرد قطعی در میان زنان به‌ویژه در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال مشاهده می‌شود. در دهه‌های اخیر، افزایش سطح تحصیلات زنان، رشد مشارکت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها، و تغییر ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی از جمله عواملی هستند که بر این پدیده تأثیر گذاشته‌اند (Baheiraei et al., 2022). زنان امروزی بیش از گذشته به دنبال تحصیلات عالی و اشتغال در مشاغل حرفه‌ای هستند که این امر می‌تواند زمان ازدواج را به تعویق بیندازد و در برخی موارد، به تجرد قطعی منجر شود (Setyonaluri et al., 2020). علاوه بر این، تغییر در ساختارهای خانوادگی و اجتماعی باعث کاهش نقش سنتی خانواده در ازدواج زنان شده است و فشارهای اجتماعی برای ازدواج، که در گذشته بسیار شدید بود، کاهش یافته است (Moorman, 2020).

یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با تجرد قطعی، پیامدهای آن بر سلامت روان و کیفیت زندگی زنان است. تحقیقات نشان داده‌اند که تجرد قطعی می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر وضعیت روانی و اجتماعی افراد داشته باشد. در برخی موارد، زنان مجرد از استقلال و آزادی بیشتری برخوردارند و کیفیت زندگی بالاتری را تجربه می‌کنند، اما در برخی دیگر، احساس تنهایی، انزوا و فشارهای اجتماعی می‌تواند منجر به مشکلات روان‌شناختی شود (Adamczyk, 2016; Wemrell, 2024). مطالعه‌ای که در آفریقای جنوبی انجام شده است، نشان داده که زنان مجردی که به‌طور مستقل زندگی می‌کنند، در مقایسه با زنان متأهل، احساس توانمندی و خودمختاری بیشتری دارند، اما در عین حال با چالش‌های اجتماعی نیز روبه‌رو هستند (Lesch & Alberta, 2018).

از نظر اقتصادی، تجرد قطعی می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی به همراه داشته باشد. برخی زنان به دلیل اشتغال در مشاغل پایدار و درآمد مناسب، قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود هستند و از وابستگی اقتصادی به خانواده‌هایی یافته‌اند. اما در مقابل، برخی زنان مجرد ممکن است با مشکلات اقتصادی مواجه شوند، به‌ویژه در جوامعی که حمایت‌های اجتماعی کافی برای افراد مجرد فراهم نشده است (Akhtemzyanov, 2023). پژوهشی که در روسیه انجام شده است نشان داد که تجرد می‌تواند از نظر اقتصادی برای برخی زنان به‌عنوان یک فرصت تلقی شود، اما برای برخی دیگر، موجب افزایش آسیب‌پذیری مالی می‌شود (Apostolou et al., 2020). در ایران نیز، زنان مجرد در صورتی که دارای شغل ثابت و درآمد پایدار باشند، کمتر از نظر اقتصادی تحت فشار قرار دارند، اما برای کسانی که شغلی ندارند یا از حمایت خانواده برخوردار نیستند، تجرد می‌تواند مشکلات اقتصادی ایجاد کند (Etaat et al., 2020).

علاوه بر این، نگرش اجتماعی نسبت به تجرد قطعی همچنان موضوعی بحث‌برانگیز است. در حالی که در برخی جوامع، پذیرش تجرد زنان افزایش یافته است، اما همچنان در بسیاری از فرهنگ‌ها، زنان مجرد با کلیشه‌های منفی مواجه هستند و در مواردی مورد قضاوت اجتماعی قرار می‌گیرند (Moorman, 2022). برخی زنان مجرد احساس می‌کنند که دیگران آن‌ها را افرادی ناموفق در زندگی شخصی تلقی می‌کنند یا تصور می‌شود که مشکلات شخصیتی یا اجتماعی دارند (Zulqarnain et al., 2022). در پژوهشی که در نیجریه انجام شد، مشخص شد که بسیاری از زنان مجرد، با فشارهای اجتماعی و خانوادگی برای ازدواج مواجه هستند و عدم ازدواج در سنین مشخص، به‌عنوان یک امر غیرطبیعی تلقی می‌شود (Ademiluka, 2021). در ایران نیز، با وجود تغییرات اجتماعی، همچنان باورهای سنتی درباره ازدواج وجود دارد و برخی زنان مجرد، به‌ویژه در سنین بالاتر، از سوی جامعه با برچسب‌های منفی مواجه می‌شوند (Hamedanchi et al., 2020).

از سوی دیگر، مجرد قطعی می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای زنان ایجاد کند. زنانی که به‌صورت مجرد زندگی می‌کنند، معمولاً استقلال بیشتری دارند و می‌توانند روی اهداف شخصی، تحصیلی و حرفه‌ای خود تمرکز کنند. مطالعه‌ای که در سوئد انجام شده است نشان داد که زنان مجرد در مقایسه با زنان متأهل، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دارند و از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند (Wemrell, 2024). همچنین، در برخی جوامع، شبکه‌های اجتماعی و حمایت‌های دوستانه، جایگزین حمایت‌های خانوادگی شده‌اند و زنان مجرد به‌راحتی می‌توانند ارتباطات اجتماعی خود را گسترش دهند (Ungar et al., 2021).

در کنار این عوامل، نقش رسانه‌ها و فرهنگ عمومی نیز در شکل‌گیری نگرش‌ها نسبت به مجرد قطعی تأثیرگذار است. در سال‌های اخیر، با افزایش نمایش شخصیت‌های زن مستقل در رسانه‌ها و تولیدات سینمایی، نگرش نسبت به زنان مجرد در حال تغییر است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که نمایش زنان موفق و مجرد در رسانه‌ها می‌تواند تأثیر مثبتی بر تصویر اجتماعی مجرد داشته باشد و آن را به‌عنوان یک انتخاب زندگی معتبر معرفی کند (Yu, 2022). با این حال، همچنان برخی رسانه‌ها تصویری سنتی از زنان ارائه می‌دهند که در آن، ازدواج به‌عنوان معیار اصلی موفقیت زنان در نظر گرفته می‌شود (Nicolaisen & Thorsen, 2023).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین زنان ۴۰ تا ۵۰ سال در شهر تهران می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و از روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دختران مجرد در محدوده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال ساکن در مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ شهر تهران است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، جمعیت دختران هرگز ازدواج نکرده در این مناطق در طی ده سال گذشته برابر با ۵۳,۸۹۱ نفر بوده که این آمار مربوط به سال ۱۴۰۲ است. با توجه به این جامعه آماری، حجم نمونه مورد نیاز از طریق فرمول کوکران محاسبه شد. این فرمول که یکی از روش‌های رایج برای تعیین حجم نمونه در تحقیقات پیمایشی است، با در نظر گرفتن میزان خطا و سطح اطمینان، تعداد نمونه را ۳۸۱ نفر تعیین کرد. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نماینده دقیقی از دختران مجرد در مناطق مختلف تهران به دست آید.

جهت گردآوری داده‌های این تحقیق، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، منابع علمی، مقالات، کتب و گزارش‌های آماری مرتبط با موضوع مطالعه گردآوری و مورد بررسی قرار گرفت. در بخش میدانی، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای ساختاریافته بود که بر اساس مبانی نظری تحقیق و مطالعات پیشین طراحی شد. پرسشنامه به‌گونه‌ای تدوین شد که ابعاد مختلف عوامل اجتماعی مؤثر بر مجرد قطعی را در بین دختران بررسی کند. این پرسشنامه شامل سه بخش اصلی بود: موقعیت تحصیلی و وضعیت شغلی به عنوان شاخص‌های موفقیت دختران، میزان حضور در جامعه و تغییر ارزش‌های اجتماعی، و شرایط اجتماعی مؤثر بر ازدواج. هر یک از این بخش‌ها شامل مجموعه‌ای از گویه‌های مرتبط با موضوع تحقیق بود که پاسخ‌دهندگان بر اساس طیف لیکرت به آن‌ها امتیاز دادند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، شاخص‌هایی همچون میانگین، انحراف معیار و فراوانی‌ها برای توصیف مشخصات جمعیت‌شناختی و متغیرهای تحقیق محاسبه شد. در بخش آمار استنباطی، به‌منظور رتبه‌بندی عوامل اجتماعی مؤثر بر مجرد قطعی، از آزمون‌های مقایسه‌ای و مدل‌های تحلیل عاملی استفاده شد. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت میزان اهمیت هر یک از عوامل اجتماعی در شکل‌گیری وضعیت مجرد قطعی تبیین شود.

یافته‌ها

برای ارزیابی کیفیت ابزار جمع‌آوری داده‌ها، روایی و پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا، برای بررسی کفایت نمونه‌گیری و امکان اجرای تحلیل عاملی، از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. شاخص KMO که میزان کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد، دارای دامنه‌ای بین ۰ تا ۱ است. مقادیری کمتر از ۰.۵ نشان‌دهنده نامناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی هستند و مقادیر بین ۰.۵ تا ۰.۶۹ نیاز به احتیاط در تفسیر داده‌ها را نشان می‌دهند. در مقابل، مقادیر بالاتر از ۰.۷ تأییدکننده کفایت داده‌ها

برای تحلیل عاملی هستند. در این پژوهش، مقدار KMO برابر با ۰.۸۰۱ به دست آمد که نشان می‌دهد داده‌های گردآوری شده از کفایت لازم برای تحلیل عاملی برخوردار هستند و می‌توانند برای شناسایی ساختار عاملی مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر این، مقدار آزمون بارتلت برابر با ۰.۰۰۰ محاسبه شد که کوچکتر از ۰.۰۵ است. این مقدار نشان‌دهنده این است که فرض عدم همبستگی میان متغیرها رد شده و بنابراین داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان انسجام درونی گویه‌های پرسشنامه را نشان می‌دهد. مقدار استاندارد تعیین شده برای ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷ است، به این معنا که مقادیر بالاتر از این حد نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری هستند. در صورتی که مقدار به دست آمده نزدیک به مقدار استاندارد باشد، نیاز به تغییر گویه‌ها احساس نمی‌شود. در این پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰.۷۸۸ به دست آمد که بالاتر از مقدار استاندارد ۰.۷ است. این مقدار بیانگر آن است که پرسشنامه مورد استفاده از پایایی مطلوبی برخوردار است و نیازی به حذف یا تغییر گویه‌های آن وجود ندارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار سنجش مورد استفاده در این تحقیق دارای قابلیت اطمینان مناسب بوده و نتایج حاصل از آن قابل استناد هستند.

یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش نشان می‌دهد که از میان ۳۹۰ نفر نمونه آماری، ۷۰.۳ درصد در بازه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال و ۲۹.۶ درصد در بازه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال قرار داشته‌اند، در حالی که میانگین سن پاسخگویان ۴۴.۰۱ سال بوده است. بررسی سطح تحصیلات نشان داد که ۲.۱ درصد بی‌سواد، ۴.۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۱۷.۷ درصد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم، ۸.۶ درصد دارای مدرک کاردانی، ۴۱.۳ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۲۱.۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴.۹ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند. در مجموع، ۷۵.۹ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. توزیع مکانی پاسخگویان نشان داد که ۱۵.۴ درصد در منطقه ۳، ۳۸.۵ درصد در منطقه ۱۰ و ۴۶.۲ درصد در منطقه ۱۹ سکونت دارند. نمونه‌گیری به‌گونه‌ای انجام شد که متناسب با جمعیت دختران مجرد ۴۰ تا ۵۰ سال در هر منطقه باشد. در مورد ارزیابی کلی از محل سکونت، ۲۷.۲ درصد از پاسخگویان شرایط محل سکونت خود را ضعیف، ۳۵.۹ درصد متوسط، ۲۳.۸ درصد خوب و ۱۱.۵ درصد عالی ارزیابی کرده‌اند، در حالی که ۱.۵ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که ارزیابی از محل سکونت در مناطق مختلف تفاوت معناداری دارد، به‌طوری که ۴۸.۲ درصد از دختران ساکن منطقه ۳ شرایط محل سکونت خود را خوب دانسته‌اند، در حالی که ۴۱.۶ درصد از دختران ساکن منطقه ۱۰ و ۴۱.۹ درصد از ساکنان منطقه ۱۹، شرایط محل سکونت خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. نتایج مربوط به نوع سکونت نشان داد که ۶۴.۶ درصد از پاسخگویان با والدین و سایر خویشاوندان زندگی می‌کنند، ۲۰.۵ درصد دارای مسکن استیجاری، ۶.۷ درصد دارای مسکن شخصی هستند، ۱ درصد در خوابگاه زندگی می‌کنند و ۴.۶ درصد نیز گزینه‌های دیگر را ذکر کرده‌اند، در حالی که ۲.۶ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند. بررسی شکل زندگی پاسخگویان نشان داد که ۷۴.۶ درصد از دختران مجرد ۴۰ تا ۵۰ سال با والدین و خانواده زندگی می‌کنند، ۱۲.۳ درصد زندگی مستقل و مجردی دارند و ۱۳.۱ درصد سایر اشکال زندگی را گزارش کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت معناداری بین مناطق مختلف وجود دارد، به‌طوری که دختران مجرد ساکن مناطق ۱۰ و ۱۹ بیشتر با والدین خود زندگی می‌کنند، اما ۴۰ درصد از دختران مجرد ساکن منطقه ۳ زندگی مستقل و مجردی دارند. بررسی نحوه تأمین هزینه‌های زندگی نشان داد که ۶۱.۸ درصد از پاسخگویان خودشان هزینه زندگی را تأمین می‌کنند، در حالی که ۲۴.۱ درصد وابسته به والدین و ۵۵.۱ درصد وابسته به خویشاوندان نزدیک هستند. ۹ درصد نیز گزینه‌های دیگری را ذکر کرده‌اند. تفاوت معناداری بین نحوه تأمین هزینه زندگی و شکل زندگی پاسخگویان مشاهده شد، به‌گونه‌ای که ۸۹.۶ درصد از کسانی که تأمین هزینه زندگی را برعهده دارند، مستقل و مجرد زندگی می‌کنند، در حالی که ۳۱.۲ درصد از افرادی که هزینه زندگی آن‌ها برعهده والدین است، همراه با والدین زندگی می‌کنند. همچنین، ۶۲.۴ درصد از کسانی که با والدین زندگی می‌کنند، هزینه زندگی را خودشان تأمین می‌کنند. در نهایت، یافته‌ها نشان داد که ۳۸.۹ درصد از پاسخگویان میزان رضایت کمی از وضعیت مسکن دارند، ۳۱.۳ درصد رضایت متوسطی دارند و ۲۹.۸ درصد از شرایط مسکن خود رضایت زیادی دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴۱.۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که ادامه تحصیل در دانشگاه و دستیابی به تحصیلات عالی موجب شده است که معیارهای آنان برای انتخاب همسر سخت‌تر از گذشته شود، در حالی که ۳۶.۲ درصد با این موضوع مخالف بوده و ۲۲.۸ درصد نظر خاصی نداشته‌اند. همچنین، ۵۳.۶ درصد از پاسخگویان با این دیدگاه که "با توجه به تحصیلاتم، پیدا کردن شغل مناسب قبل از ازدواج مهم‌تر از ازدواج کردن است" موافق و کاملاً موافق بوده‌اند، در حالی که ۲۶.۴ درصد مخالفت داشته و ۲۰ درصد

نظر خاصی ابراز نکرده‌اند. علاوه بر این، ۴۹.۴ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که در جامعه به زنان تحصیل کرده به‌عنوان افراد موفق نگاه می‌شود، در حالی که ۲۸.۷ درصد این دیدگاه را رد کرده و ۲۵.۶ درصد نیز نظری نداشته‌اند.

در ارتباط با احساس مفید بودن، ۵۸.۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که هر زمان از مهارت‌های تحصیلی و شغلی خود برای کمک به دیگران استفاده می‌کنند، احساس موفقیت و مفید بودن بیشتری دارند. در زمینه فشارهای اجتماعی و خانوادگی، ۴۰.۳ درصد از شرکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که فشاری از سوی خانواده و خویشاوندان برای ازدواج وجود ندارد. این یافته‌ها نشان‌دهنده روندی است که در آن حساسیت خانواده‌ها نسبت به مجرد دختران کاهش یافته و این وضعیت به تدریج به‌عنوان یک امر عادی تلقی می‌شود. همچنین، نقش شبکه خویشاوندی در ازدواج جوانان کاهش یافته و فشار بستگان، به‌ویژه والدین، برای ازدواج مانند گذشته کارایی ندارد.

در زمینه اهمیت تحصیل، ۳۸.۷ درصد از پاسخگویان با این دیدگاه که "دختری که ادامه تحصیل ندهد، چیزی را در زندگی کم دارد" مخالفت کرده‌اند، در حالی که ۴۸.۷ درصد اظهار داشته‌اند که پس از دانشگاه، پیدا کردن شغل برای آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. در نهایت، تنها ۳.۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که ازدواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها خواهد شد. جدول زیر عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در میان دختران ۴۰ تا ۵۰ سال ساکن در مناطق ۳، ۱۰ و ۱۹ شهر تهران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۵۰ - ۴۰ سال

ردیف	موارد	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	بی پاسخ
۱	دانشگاه رفتن و تحصیلات عالی باعث شده است که معیارهایم برای انتخاب همسر مناسب سخت‌تر از گذشته شود.	۱۸.۵	۲۲.۶	۲۲.۸	۲۰.۳	۱۵.۹	-
۲	با توجه به تحصیلاتم، پیدا کردن شغل مناسب قبل از ازدواج، مهم‌تر از ازدواج کردن است.	۲۰.۸	۳۲.۸	۲۰.۰	۱۴.۹	۱۱.۵	-
۳	در اجتماع به زنان تحصیل کرده به‌عنوان یک فرد موفق نگاه می‌کنند.	۲۳.۸	۲۵.۶	۲۱.۸	۱۷.۲	۱۱.۵	-
۴	هر وقت از مهارت‌های تحصیلی و شغلی‌ام برای کمک به دیگران استفاده می‌کنم، احساس مفید بودن و موفق بودن می‌کنم.	۲۲.۸	۳۵.۶	۲۳.۸	۱۰.۰	۷.۷	-
۵	فشاری از سمت خانواده و خویشاوندان برای ازدواج کردنم وجود ندارد.	۲۰.۰	۲۰.۳	۳۰.۰	۱۶.۴	۱۳.۳	-
۶	داشتن شغل و استقلال مالی باعث شده است که نگرانی از بابت مجرد نداشتن باشم.	۵.۱	۱۲.۶	۲۳.۶	۲۹.۰	۲۹.۷	-
۷	دختری که ادامه تحصیل ندهد، چیزی را در زندگی کم دارد.	۷.۹	۱۳.۸	۳۹.۵	۲۵.۱	۱۳.۶	-
۸	پیدا کردن شغل بعد از دانشگاه برایم خیلی مهم بود.	۱۹.۷	۱۹.۷	۲۹.۰	۱۹.۷	۸.۵	۳.۳
۹	در اجتماع به زنان شاغل به‌عنوان یک فرد موفق نگاه می‌کنند.	۲۶.۲	۳۲.۳	۲۷.۴	۷.۴	۶.۷	-
۱۰	با داشتن شغل و حضور در اجتماع، بهتر می‌توانم شایستگی خودم را ثابت کنم.	۲۲.۸	۲۵.۹	۲۶.۷	۱۵.۱	۹.۵	-
۱۱	ازدواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی من می‌شود.	۱۳.۱	۱۷.۴	۲۸.۷	۲۳.۸	۱۶.۹	-
۱۲	زنان متأهل فامیل به مجرد بودن من غبطه می‌خورند (می‌گویند: خوش به حالت که ازدواج نکردی).	۳.۶	۱۵.۶	۲۶.۹	۲۸.۷	۲۵.۱	-

نتایج جدول نشان می‌دهد که معیارهای تحصیلی و شغلی تأثیر بسزایی در دیدگاه دختران مجرد نسبت به ازدواج داشته است. بخش قابل توجهی از پاسخگویان اهمیت اشتغال و تحصیلات را نسبت به ازدواج اولویت داده‌اند، درحالی‌که تأثیرات اجتماعی و خانوادگی بر ازدواج آن‌ها به میزان کمتری گزارش شده است.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که در میان عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۴۰ تا ۵۰ سال، پیدا کردن شغل پس از دانشگاه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. این گویه با میانگین نمره ۴.۱۳ بالاترین اهمیت را از دیدگاه پاسخگویان داشته و نشان می‌دهد که اشتغال پس از تحصیلات دانشگاهی یکی از دغدغه‌های اصلی این گروه است. همچنین، گویه‌های «در اجتماع به زنان شاغل به‌عنوان یک آدم موفق نگاه می‌کنند.» با میانگین نمره ۳.۶۴ و «هر وقت از مهارت‌های تحصیلی و شغلی‌ام

برای کمک به دیگران استفاده می‌کنم احساس مفید بودن و موفق بودن می‌کنم.» با میانگین نمره ۳.۵۶ نشان می‌دهد که نگاه اجتماعی به زنان شاغل و میزان تأثیرگذاری آنها در جامعه، برای پاسخگویان حائز اهمیت بوده است.

در مقابل، برخی گویه‌ها تأثیر کمتری بر وضعیت مجرد قطعی داشته‌اند. گویه «داشتن شغل و استقلال مالی باعث شده است که نگرانی از بابت مجرد نداشته باشم.» با میانگین نمره ۲.۳۴، «زنان متأهل فامیل به مجرد بودن من غبطه می‌خورند (می‌گویند: خوش به حالت که ازدواج نکردی)» با میانگین نمره ۲.۴۴ و «ازدواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی من می‌شود.» با میانگین نمره ۲.۸۶ نشان‌دهنده آن است که این عوامل از دیدگاه پاسخگویان تأثیر کمتری بر مجرد قطعی داشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که نگرانی از مجرد یا احساس حسادت از سوی زنان متأهل نسبت به مجردها، از جمله مسائلی نیست که تأثیر جدی بر ماندن در وضعیت مجرد قطعی داشته باشد.

جدول ۲. بررسی میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات گویه‌های مربوط به عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۴۰ تا ۵۰ سال

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییر
۱	دانشگاه رفتن و تحصیلات عالی باعث شده است که معیارهایم برای انتخاب همسر مناسب سخت‌تر از گذشته شود.	۳.۰۷	۱.۳۴۲۲۶	۰.۴۳۶۶
۲	با توجه به تحصیلاتم، پیدا کردن شغل مناسب قبل از ازدواج، مهم‌تر از ازدواج کردن است.	۳.۳۶	۱.۲۸۰۹۶	۰.۳۸۰۸
۳	در اجتماع به زنان تحصیل کرده به‌عنوان یک فرد موفق نگاه می‌کنند.	۳.۳۳	۱.۳۱۸۵۷	۰.۳۹۵۹
۴	هر وقت از مهارت‌های تحصیلی و شغلی‌ام برای کمک به دیگران استفاده می‌کنم احساس مفید بودن و موفق بودن می‌کنم.	۳.۵۶	۱.۱۶۹۶۱	۰.۳۲۸۶
۵	فشاری از سمت خانواده و خویشاوندان برای ازدواج کردنم وجود ندارد.	۳.۱۷	۱.۲۹۴۱۳	۰.۴۰۸۰
۶	داشتن شغل و استقلال مالی باعث شده است که نگرانی از بابت مجرد نداشته باشم.	۲.۳۴	۱.۱۷۵۹۸	۰.۵۰۱۸
۷	دختری که ادامه تحصیل ندهد، چیزی را در زندگی کم دارد.	۲.۷۷	۱.۰۹۷۰۲	۰.۳۹۵۴
۸	پیدا کردن شغل بعد از دانشگاه برایم خیلی مهم بود.	۴.۱۳	۱.۳۴۶۰۸	۰.۳۲۶۳
۹	در اجتماع به زنان شاغل به‌عنوان یک فرد موفق نگاه می‌کنند.	۳.۶۴	۱.۱۴۲۷۹	۰.۳۱۴۱
۱۰	با داشتن شغل و حضور در اجتماع، بهتر می‌توانم شایستگی خودم را ثابت کنم.	۳.۳۷	۱.۲۵۱۵۷	۰.۳۷۰۹
۱۱	ازدواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی من می‌شود.	۲.۸۶	۱.۲۶۳۷۴	۰.۴۴۲۰
۱۲	زنان متأهل فامیل به مجرد بودن من غبطه می‌خورند (می‌گویند: خوش به حالت که ازدواج نکردی).	۲.۴۴	۱.۱۳۱۴۹	۰.۴۶۴۰

بر اساس نتایج جدول، بالاترین میانگین نمره مربوط به گویه «پیدا کردن شغل بعد از دانشگاه برایم خیلی مهم بود.» (۴.۱۳) است که نشان می‌دهد دغدغه اشتغال یکی از مهم‌ترین عوامل در تصمیم‌گیری برای ازدواج در بین دختران مجرد این گروه سنی بوده است. در مقابل، کمترین میانگین نمره مربوط به گویه «داشتن شغل و استقلال مالی باعث شده است که نگرانی از بابت مجرد نداشته باشم.» (۲.۳۴) بوده که نشان می‌دهد استقلال مالی به تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای در پذیرش وضعیت مجرد قطعی محسوب نمی‌شود.



شکل ۱. میانگین نمره مربوط به عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در بین دختران ۴۰ تا ۵۰ سال

نتایج این پژوهش نشان می دهد که عواملی همچون اشتغال و تحصیلات تأثیر بسزایی در دیدگاه دختران مجرد نسبت به ازدواج داشته و در برخی موارد موجب افزایش معیارهای آنان برای انتخاب همسر شده است. در مقابل، عواملی همچون احساس غبطه از سوی زنان متأهل و یا محدود شدن فعالیت های اجتماعی بعد از ازدواج، تأثیر کمتری در شکل گیری وضعیت مجرد قطعی داشته اند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از مهم ترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مجرد قطعی در میان زنان ۴۰ تا ۵۰ سال، اهمیت یافتن اشتغال و پیشرفت حرفه ای به عنوان یک اولویت در زندگی آن ها بوده است. به ویژه، گویه «پیدا کردن شغل بعد از دانشگاه برام خیلی مهم بود.» با میانگین ۴.۱۳ نشان داد که بسیاری از زنان مجرد اشتغال را به عنوان یک هدف اصلی در زندگی خود در نظر گرفته اند و این امر می تواند ازدواج را به تأخیر انداخته یا حتی منجر به مجرد قطعی شود. این یافته با مطالعات پیشین همسو است که نشان می دهد سطح تحصیلات و فرصت های شغلی، به ویژه برای زنان، یکی از عوامل کلیدی در افزایش نرخ مجرد در جوامع مدرن محسوب می شود (Baheiraei et al., 2022).

(Setyonaluri et al., 2020). افزایش سطح تحصیلات و ورود به بازار کار، زنان را قادر ساخته است تا نقش‌های اجتماعی متفاوتی را تجربه کنند و وابستگی اقتصادی آن‌ها به خانواده و همسران بالقوه کاهش یابد، که این امر می‌تواند انگیزه برای ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد (Moorman, 2020).

نتایج همچنین نشان داد که نگرش جامعه به زنان شاغل و تحصیل کرده در مقایسه با گذشته تغییر یافته است. بر اساس یافته‌ها، ۴۹.۴ درصد از پاسخگویان موافق بودند که در جامعه به زنان تحصیل کرده به‌عنوان افراد موفق نگاه می‌شود و ۳۶.۴ درصد نیز تأیید کردند که زنان شاغل در اجتماع بیشتر مورد احترام قرار می‌گیرند. این یافته نشان می‌دهد که ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیرامون نقش زنان در حال تحول است و اشتغال و تحصیلات عالی، جایگاه اجتماعی زنان را بهبود بخشیده است (Apostolou et al., 2023). پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که در جوامع مدرن، زنان مجرد به دلیل اشتغال و مشارکت اجتماعی بیشتر، از نظر فرهنگی و اقتصادی در موقعیت بهتری نسبت به گذشته قرار گرفته‌اند (Apostolou et al., 2020; Bildtgård & Öberg, 2019). باین‌حال، همچنان برخی از فشارهای اجتماعی بر زنان مجرد وجود دارد، به‌ویژه در جوامعی که ازدواج همچنان به‌عنوان یک هنجار اجتماعی اساسی تلقی می‌شود (Oyafunke-Omoniyi & Adewusi, 2021).

یکی دیگر از نتایج مهم این پژوهش، کاهش نقش خانواده در فشار برای ازدواج بود. یافته‌ها نشان داد که ۴۰.۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشتند که فشاری از سوی خانواده و خویشاوندان برای ازدواج وجود ندارد. این موضوع نشان‌دهنده تغییرات اساسی در نگرش‌های خانواده‌ها نسبت به مجرد زنان است. در گذشته، شبکه‌های خویشاوندی و خانوادگی نقش تعیین‌کننده‌ای در ازدواج زنان ایفا می‌کردند و فشارهای خانوادگی برای ازدواج یک عامل تأثیرگذار در این زمینه محسوب می‌شد (Ademiluka, 2021). اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش خانواده‌ها در این زمینه کم‌رنگ‌تر شده است و ازدواج دیگر یک ضرورت اجباری برای زنان محسوب نمی‌شود (Moorman, 2022). برخی مطالعات بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که در جوامعی که برابری جنسیتی و فرصت‌های اقتصادی برای زنان افزایش یافته است، فشار خانواده برای ازدواج کاهش یافته و تصمیم‌گیری درباره زندگی شخصی بیشتر به خود زنان سپرده شده است (Lesch & Alberta, 2018; Wemrell, 2024).

علاوه بر این، نتایج نشان داد که میزان رضایت از وضعیت زندگی و احساس موفقیت شغلی و اجتماعی نیز در میان زنان مجرد بالا بوده است. ۵۸.۴ درصد از شرکت‌کنندگان اعلام کردند که هرگاه از مهارت‌های تحصیلی و شغلی خود برای کمک به دیگران استفاده می‌کنند، احساس موفقیت و مفید بودن بیشتری دارند. این یافته نشان می‌دهد که بسیاری از زنان مجرد، با وجود مجرد، همچنان حس رضایت از زندگی و نقش اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند. مطالعاتی که در سوئد انجام شد نیز نشان داد که زنان مجرد دارای تحصیلات عالی و اشتغال، احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند و درگیر فعالیت‌های اجتماعی بیشتری هستند (Wemrell, 2024). این یافته همچنین با مطالعاتی که نشان می‌دهند زنان مجرد می‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند و موفقیت‌های شخصی را جایگزین هنجارهای سنتی مانند ازدواج کنند، مطابقت دارد (Moorman, 2020; Nikparvar et al., 2020).

از سوی دیگر، نتایج این پژوهش نشان داد که برخی از نگرش‌های منفی نسبت به مجرد همچنان در جامعه وجود دارد. برای مثال، گویه «زنان متأهل فامیل به مجرد بودن من غبطه می‌خورند (می‌گویند: خوش به حالت که ازدواج نکردی)». با میانگین نمره ۲.۴۴، کمترین تأثیر را در مجرد قطعی داشت، اما نشان می‌دهد که درک اجتماعی از مجرد همچنان دوگانه است. در برخی فرهنگ‌ها، زنان مجرد به‌عنوان افرادی موفق شناخته می‌شوند، درحالی‌که در برخی دیگر، آن‌ها با برچسب‌هایی همچون «ناموفق در ازدواج» مواجه می‌شوند (Yu, 2022).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان داد که نگرانی از محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی پس از ازدواج برای برخی از زنان همچنان وجود دارد. گویه «ازدواج باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی من می‌شود». میانگین نمره ۲.۸۶ را داشت، که نشان می‌دهد برخی از زنان نگران از دست دادن آزادی‌های فردی و اجتماعی خود در نتیجه ازدواج هستند. این یافته با مطالعاتی که نشان می‌دهند ازدواج می‌تواند محدودیت‌هایی در فعالیت‌های اجتماعی زنان ایجاد کند، همسو است (Mrozowicz-Wrońska et al., 2023).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز آن بر زنان مجرد ساکن در مناطق شهری تهران است. بنابراین، یافته‌های پژوهش ممکن است برای سایر مناطق ایران یا زنان مجرد ساکن در شهرهای کوچکتر و روستاها تعمیم‌پذیر نباشد. همچنین، این مطالعه به روش پیمایشی انجام شده و از پرسشنامه به‌عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است.

این روش ممکن است باعث شود که برخی از شرکت‌کنندگان پاسخ‌هایی مطابق با هنجارهای اجتماعی ارائه دهند، نه پاسخ‌هایی که بازتاب دقیق تجربیات واقعی آن‌ها باشد. محدودیت دیگر پژوهش این است که به بررسی علل روان‌شناختی یا زیست‌شناختی مرتبط با مجرد قطعی نپرداخته است و تنها بر عوامل اجتماعی تمرکز کرده است. پژوهش‌های آینده می‌توانند بررسی‌های گسترده‌تری در سطح ملی انجام دهند تا تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای در نگرش نسبت به مجرد قطعی زنان مشخص شود. همچنین، مطالعات کیفی با استفاده از روش‌هایی مانند مصاحبه‌های عمیق و گروه‌های متمرکز می‌توانند درک عمیق‌تری از تجربیات زنان مجرد و دلایل آن‌ها برای انتخاب یا پذیرش مجرد ارائه دهند. علاوه بر این، بررسی تأثیر متغیرهایی مانند سلامت روان، روابط اجتماعی، و حمایت‌های خانوادگی بر مجرد قطعی زنان می‌تواند به درک بهتر این پدیده کمک کند. با توجه به تغییرات اجتماعی و افزایش نرخ مجرد قطعی در میان زنان، سیاست‌گذاران باید برنامه‌هایی را برای حمایت از زنان مجرد، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی تدوین کنند. ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای زنان، ارائه حمایت‌های اجتماعی، و ایجاد بسترهایی برای مشارکت فعال زنان مجرد در جامعه از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی این گروه کمک کند. همچنین، آگاهی‌بخشی در زمینه تغییر نگرش‌های سنتی نسبت به مجرد و ارائه راهکارهایی برای پذیرش سبک‌های متنوع زندگی می‌تواند به کاهش فشارهای اجتماعی بر زنان مجرد منجر شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

Permanent singlehood among women aged 40-50 has become a significant social phenomenon, influenced by evolving cultural, economic, and social structures. Historically, marriage was perceived as a fundamental social expectation, and unmarried women were often subjected to social scrutiny and familial pressures (Oyafunke-Omoniyi & Adewusi, 2021).



However, in modern societies, changing gender norms, increasing educational attainment, and expanded career opportunities have reshaped the traditional expectations surrounding marriage (Apostolou et al., 2023).

The rise in women's educational levels has been a critical factor in shifting attitudes toward marriage. Higher education has enabled women to access better career opportunities, leading many to prioritize professional growth over marriage (Setyonaluri et al., 2020). Moreover, economic independence has reduced the necessity of marriage for financial security, allowing women to remain single by choice or circumstance (Baheiraei et al., 2022). As previous research has indicated, women who pursue higher education and professional careers are more likely to remain single, as they often develop stricter criteria for selecting a marriage partner (Moorman, 2020).

The social perception of single women has also undergone significant transformation. While singlehood was traditionally viewed as undesirable, contemporary perspectives increasingly recognize the benefits of remaining unmarried, particularly in terms of autonomy and professional fulfillment (Apostolou et al., 2020). In some societies, single women are now regarded as successful and independent individuals rather than outliers (Bildtgård & Öberg, 2019). Nevertheless, cultural and familial expectations regarding marriage persist in many regions, exerting pressure on women to conform to traditional marital norms (Moorman, 2022).

The role of family pressure in shaping women's marital decisions has also evolved. In the past, marriage was often facilitated by familial networks, with parents and extended relatives playing a crucial role in arranging marriages and encouraging young women to settle down early (Ademiluka, 2021). However, in contemporary settings, families are less involved in dictating marital choices, and many women feel fewer familial obligations to marry (Wemrell, 2024). This shift reflects broader societal changes, including increased gender equality and the prioritization of personal aspirations over traditional expectations (Lesch & Alberta, 2018).

Despite the growing acceptance of singlehood, unmarried women still face challenges, including social stigma, loneliness, and concerns about future financial security (Yu, 2022). While some women view singlehood as an opportunity for self-development and professional growth, others experience societal marginalization and exclusion (Mrozowicz-Wrońska et al., 2023). The degree to which single women experience these challenges varies across cultural contexts, with some societies embracing singlehood as a legitimate lifestyle choice and others continuing to reinforce marriage as a necessary milestone in a woman's life (Nikparvar et al., 2020).

Given these complex dynamics, this study aims to explore the social factors influencing permanent singlehood among women aged 40-50 in Tehran. By examining the impact of education, employment, family pressures, and societal perceptions, this research seeks to provide a comprehensive understanding of the motivations and challenges faced by unmarried women in an evolving social landscape.

Methods and Materials

This study employed a quantitative, survey-based research design to assess the social factors contributing to permanent singlehood among women aged 40-50 in Tehran. The research was conducted using a cross-sectional survey methodology, focusing on women residing in districts 3, 10, and 19 of Tehran. The study population comprised all never-married women within this age range, and a total sample of 381 participants was selected using Cochran's formula for sample size determination.



A structured questionnaire was developed to collect data on various social, economic, and cultural aspects influencing singlehood. The questionnaire was divided into multiple sections, covering demographic information, educational and employment status, family pressures, and societal attitudes toward single women. The validity of the questionnaire was confirmed through the Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) measure of sampling adequacy ($KMO = 0.801$) and Bartlett's test of sphericity ($p < 0.05$). Reliability was assessed using Cronbach's alpha, which yielded a coefficient of 0.788, indicating a high level of internal consistency.

Data analysis was performed using SPSS software, incorporating descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistical tests, including factor analysis and correlation analysis, to examine the relationships between social factors and permanent singlehood.

Findings

The results indicated that employment and career aspirations were the most significant social factors influencing permanent singlehood among women aged 40-50. The item "Finding a job after university was very important to me." received the highest mean score (4.13), highlighting the prioritization of professional success over marriage. Additionally, the perception of employed and educated women in society was largely positive, with 49.4% of respondents agreeing that educated women are regarded as more successful.

Regarding familial influence, 40.3% of participants reported experiencing little to no pressure from their families to marry. This finding suggests a shift in family dynamics, where marriage is no longer seen as an obligatory milestone for women. Furthermore, 58.4% of respondents stated that utilizing their educational and professional skills for societal contributions enhanced their sense of purpose and success, indicating that single women derive fulfillment from avenues other than marriage.

Conversely, certain items had lower mean scores, suggesting minimal influence on singlehood decisions. For instance, the statement "Married female relatives envy my singlehood" had a mean score of 2.44, indicating that societal perceptions of marriage remain largely favorable. Similarly, concerns about marriage limiting social activities were not a significant deterrent for most respondents, as reflected in the mean score of 2.86 for the statement "Marriage limits my social activities."

Discussion and Conclusion

The findings of this study reinforce the growing importance of education and employment in shaping women's life choices. As women become increasingly career-oriented, marriage is no longer viewed as a primary objective, and financial independence has enabled many to delay or forgo marriage altogether. This shift challenges traditional gender roles, wherein marriage was once seen as a necessity for women's economic and social security.

Furthermore, the study highlights a significant transformation in familial attitudes toward marriage. Unlike previous generations, where family intervention in marriage decisions was prevalent, contemporary families appear more accepting of singlehood. This trend aligns with broader societal shifts toward individual autonomy and personal choice.

Despite these positive developments, challenges remain for single women. While educated and employed women are generally perceived favorably, social stigma surrounding singlehood persists in certain contexts. The lower mean scores for items related to family envy and social activity restrictions indicate that, although societal perceptions have improved, single women still encounter social and cultural barriers.

Overall, this study underscores the evolving nature of marriage norms and gender roles in Iranian society. The findings suggest that while professional aspirations and changing familial attitudes contribute to rising singlehood rates, persistent

societal expectations still influence women's experiences. Addressing these dynamics requires a nuanced approach, incorporating policy changes, social awareness programs, and continued research to support women's diverse life choices.

References

- Adamczyk, K. (2016). Voluntary and Involuntary Singlehood and Young Adults' Mental Health: An Investigation of Mediating Role of Romantic Loneliness. *Current Psychology*, 36(4), 888-904. <https://doi.org/10.1007/s12144-016-9478-3>
- Ademiluka, S. O. (2021). Reinterpreting Paul's Perspective of Celibacy in 1 Corinthians 7 in Light of Singlehood Amongst Nigerian Christians. *Verbum Et Ecclesia*, 42(1). <https://doi.org/10.4102/ve.v42i1.2147>
- Akhtemzyanov, R. A. (2023). An Econometric Assessment of the "Punishment" for Singlehood in Russia: Risks or New Opportunities in Life? *Population and Economics*, 7(1), 33-53. <https://doi.org/10.3897/popecon.7.e89168>
- Apostolou, M., Jiaqing, O., & Esposito, G. (2020). Singles' Reasons for Being Single: Empirical Evidence From an Evolutionary Perspective. *Frontiers in psychology*, 11. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00746>
- Apostolou, M., Sullman, M. J. M., Birkás, B., Błachnio, A., Bushina, E., Calvo, F., Costello, W., Dujlovic, T., Hill, T., Lajunen, T., Lisun, Y., Manrique-Millones, D., Manrique-Pino, O., Meskó, N., Nechtelberger, M., Ohtsubo, Y., Ollhoff, C. K., Przepiórka, A., Putz, Á., . . . Font-Mayolas, S. (2023). Mating Performance and Singlehood Across 14 Nations. *Evolutionary Psychology*, 21(1). <https://doi.org/10.1177/14747049221150169>
- Baheiraei, A., Mirghafourvand, M., Mohammad-Alizadeh-Charandabi, S., Nedjat, S., & Mohammadi, E. (2022). A Population-Based Survey on Sociodemographic Risk Factors of Cigarette Smoking Among Iranian Women of Reproductive Age. *Epidemiology Biostatistics and Public Health*, 11(3). <https://doi.org/10.2427/9408>
- Bildtgård, T., & Öberg, P. (2019). The Transformation of Late-Life Singlehood: Emergence of the Society of Divorcees. *Innovation in Aging*, 3(Supplement_1), S618-S618. <https://doi.org/10.1093/geroni/igz038.2302>
- Etaat, M., Tabatabaye, Z., Jahromi, S. M., Yosefi, P., Sedigh, S., & Tajiki, S. (2020). Predictors of Blood Pressure in Iranian Women- A Narrative Review. *Journal Of Shahid Sadoughi University Of Medical Sciences*. <https://doi.org/10.18502/ssu.v28i8.4448>
- Hamedanchi, A., Momtaz, Y. A., Khankeh, H. R., & Zanjari, N. (2020). The Growth Trend of Never-Married Elderly Population in Iran in the Third Millennium. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 9(6), 2837. https://doi.org/10.4103/jfmpc.jfmpc_264_20
- Lesch, E., & Alberta, S. J. v. d. W. (2018). Living Single: A Phenomenological Study of a Group of South African Single Women. *Feminism & Psychology*, 28(3), 390-408. <https://doi.org/10.1177/0959353517731435>
- Moorman, J. D. (2020). Socializing Singlehood: Personal, Interpersonal, and Sociocultural Factors Shaping Black Women's Single Lives. *Psychology of Women Quarterly*, 44(4), 431-449. <https://doi.org/10.1177/0361684320939070>
- Moorman, J. D. (2022). Unmarried Black Women's Sexual Socialization: The Role of Dating, Motherhood, and Intimate Partner Violence Across Media Types. *Sex Roles*, 87(5-6), 289-305. <https://doi.org/10.1007/s11199-022-01316-y>
- Mrozowicz-Wrońska, M., Janowicz, K., Soroko, E., & Adamczyk, K. (2023). Let's Talk About Single Men: A Qualitative Investigation of Never Married Men's Experiences of Singlehood. *Sex Roles*, 89(7-8), 360-376. <https://doi.org/10.1007/s11199-023-01380-y>
- Nicolaisen, M., & Thorsen, K. (2023). Gender Differences in Loneliness Over Time: A 15-Year Longitudinal Study of Men and Women in the Second Part of Life. *The International Journal of Aging and Human Development*, 98(1), 103-132. <https://doi.org/10.1177/00914150231194243>
- Nikparvar, F., Spencer, C. M., & Stith, S. M. (2020). Risk Markers for Women's Physical Intimate Partner Violence Victimization in Iran: A Meta-Analysis. *Violence Against Women*, 27(11), 1896-1912. <https://doi.org/10.1177/1077801220965744>
- Oyafunke-Omoniyi, C. O., & Adewusi, A. O. (2021). Marriage Pressures and Perception of Singlehood Among Yet-to-Marry Women in Ibadan Metropolis. *Journal of Humanities Social Science and Creative Arts*, 15(1). <https://doi.org/10.51406/jhssca.v15i1.2128>
- Setyonaluri, D., Maghfirah, A., & Aryaputra, C. (2020). Norms in Transition? The Relationship Between Education and Singlehood. *Jurnal Studi Pemuda*, 9(2), 136. <https://doi.org/10.22146/studipemudaugm.57995>
- Ungar, R., Tkatch, R., Cheng, Y., Kraemer, S., McGinn, M., & Wicker, E. (2021). Preliminary Impact of a Social Connection Program on Older Adults. *Innovation in Aging*, 5(Supplement_1), 915-915. <https://doi.org/10.1093/geroni/igab046.3317>
- Wemrell, M. (2024). Involuntary Singlehood, Gender Equality and Mental Health in Contemporary Sweden. *European journal of public health*, 34(Supplement_3). <https://doi.org/10.1093/eurpub/ckae144.2203>
- Yu, Y.-L. (2022). Current Marital Status and Epigenetic Clocks Among Older Adults in the United States: Evidence From the Health and Retirement Study. *Journal of Aging and Health*, 35(1-2), 71-82. <https://doi.org/10.1177/08982643221104928>
- Zulqarnain, A., Zulqarnain, W., & Hashmi, N. U. (2022). "Alone or on My Own" a Perspective on Marriage From Single Women of Pakistani Media. *Global Digital & Print Media Review*, V(III), 23-35. [https://doi.org/10.31703/gdpmr.2022\(v-iii\).03](https://doi.org/10.31703/gdpmr.2022(v-iii).03)